موضوع: امکان معرفت در معرفت شناسی

بررسی شبهه تصرف موجود شریر یا دانشمند بدجنس بر ذهن ها

درباره امکان شناخت، یکی از شبهاتی که مطرح شده این است که گفته اند ممکن است موجود شریری بر انسان مسلط شده باشد و افکاری که در ذهن انسان وجود دارد ساخته تصرف او باشد. دکارت این شبهه را این گونه بیان کرده است: فرض می کنم شیطانی شریر و بسیار مکار و فریبکار، تمام مهارت خود را در فریفتن من بکار بسته است. فرض می کنم که آسمان و زمین و تمام اشیای خارجی که می بینم اوهامی است که این شیطان برای صید خوش باوری من از آنها استفاده می کند. فرض می کنم که من، چشم، گوش، دست و هیچ یک از حواس را ندارم و به خطا خود را واجد همه آنها می دانم.

بیان دیگر اشکال را همیلتون نویسنده کتاب «معرفت شناسی»، به نام مغز آزمایشگاهی آورده و گفته است: این موج شک در صورت جدید با عنوان مغز آزمایشگاهی شناخته می شود. تصور کنید که شما این کتاب را نمی خوانید بلکه در واقع مغزی آزمایشگاهی هستید که دانشمندی بدخواه این مغز را با انبوهی از اطلاعات تغذیه می کند. به عبارت دیگر هر آنچه تصور می کنید در واقع برای شما رخ نمی دهد فقط تصور می کنید که رخ می دهد. در واقع شما چیزی جز مغز آزمایشگاهی نیستند که به سیم های زیادی وصل شده اید و امواج الکتریکی به شما منتقل شده و گمان می کنید که تجربه های واقعی دارید.[[1]](#footnote-1)

پاسخ

به لحاظ معرفت شناختی می گوییم: این فرض برای ذهن ایجاد می شود که آیا آن موجود شریر که ذهن انسان را به تصرف خود در آورده وجود دارد یا ندارد؟ (گریزی نیست که این فرض می تواند برای ذهن شکل بگیرد). اگر آن موجود نیست در این صورت اصل شبهه از بین می رود زیرا معلوم می شود که چنین موجودی که بخواهد ذهن را در کنترل خود در آورد اساسا وجود ندارد. اگر آن موجود هست، به این معنا است که شما لااقل یک ادراک مطابق با واقع و نیز برخی اصول عقلی مانند اصل امتناع تناقض را پذیرفته اید، و در نتیجه رئالیست شده اید زیرا رئالیست ها می گوید واقعیتی وجود دارد و فی الجمله امکان شناخت و دستیابی به آن هست. با پذیرش این چند ادراک واقعی، می گوییم با همین ملاکی که این ادراکات واقعیت دارد، می توان در مورد ادراکات دیگر نیز قضاوت کرد.

به لحاظ فلسفی و کلامی پاسخ این شبهه این است که می گوییم: آیا وجود شما وجودی واجب الوجود است یا ممکن الوجود؟ روشن است که واجب الوجود نیست پس ممکن الوجود است. اکنون طبق قانون علیت که شما هم ناچارید در این شبهه آن را پذیرفته باشید می گوییم اگر ممکن الوجود هست باید واجب الوجود هم باشد. وقتی واجب الوجود ثابت شد، اینکه او من جمیع الجهات واجب است نیز ثابت می شود. با ثابت شدن این دو مطلب این مطلب نیز ثابت می شود که آن موجود واجب اجازه نمی دهد که ذهن ما یکپارچه در تصرف موجود شریر قرار گیرد زیرا با خیر بالذات بودن او منافات دارد. بله ممکن است به جهت مصالحی این امر صورت گیرد اما به صورت مقطعی است نه فراگیر.

همین پاسخی که در مورد موجود شریر داده شد در مورد مغز الکترونیکی و دانشمند بدجنس نیز می آید.

انشاء الله در جلسه آینده این بحث دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. معرفت شناسی، همیلتون، ص 24 [↑](#footnote-ref-1)